



Sword of Justice



نویسنده: سایہ
مانگا کا: مثنیٰ کریم
ناپیسٹ: مثنیٰ کریم



سوجيرو
نباید در مورد
برادر کوچیکت
اینطوری صحبت
کنی.



البته فکر میکنم
سوال خوبیه ...
بیا اینجا هزار برات
توضیح بدم



شاید یک افسانه ؛ شاید یک واقعیت گم شده...
درمورد سرزمینی وجود داره که محل تولد بزرگ ترین
جنگجویان دنیاست! سرزمین کسانی
که برای آرامش و صلح میجنگن ؛ سرزمینی که
سربازانش تنها از جنگ لذت نمی‌برن ولی
برای محافظت از خانواده غرور و ابهتشون تا قطره آخر
خونشون در میدون نبرد ایستادگی میکنن...





پدرم همیشه میگفت که پدرش زمانی به اون سرزمین
سفر کرده...و با مردی به اسم سورنا آشنا شده؛ مردی
که بخاطر عدالت خواهی و قدرت بی حد و
اندازش معروف بوده...همیشه
داستان هایی درمورد اون مرد
می شنیدم و با خودم میگفتم چطور ی جنگجو
میتونه انقدر پرآوازه باشه !..



دیگه دارم بهش
حسادت میکنم...
اصلا چرا اسم من
سورنا نیست؟؟



برعکس سورنا
اسم تورو من انتخاب کردم
پسرک زبون دراز خیلیم
بهت میاد، حق اعتراض
نداری !!

هاهاهاها!



سورنا نفس نفس میزد .. میدوئید ..
و هرچی نزدیک تر میشد صدای انفجار بیشتر
میشد .. بوی خون بیشتر میشد ...







تیکه تیکه
میکنم....

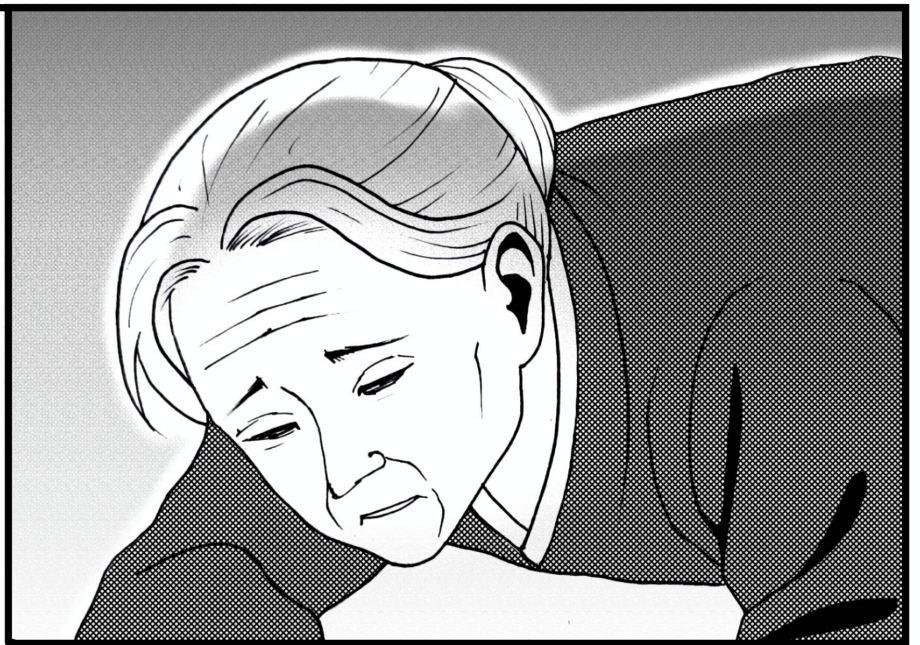








تو
برادرشی؟



این زن چیزی نمیدونه ،
به اندازه کافی شکنجه شده
اگر چیزی میدونست تا حالا
به حرف اومده بود ..
کاتسومی سوچیرو اینجا نیست
میتونی با خیال راحت
ماموریت رو انجام بدی

اگه بخوایی
من تمومش
میکنم !..

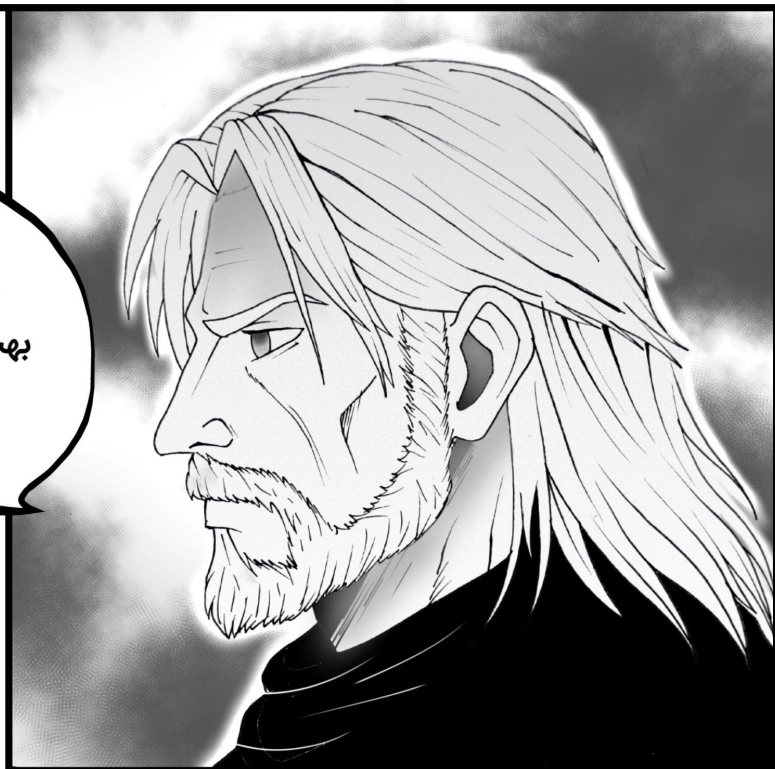




نه...
این
وظیفه
منه!

حالا که
کاتسومی سوچیرو
اینجا نیست... پس من
میتونم برم؟ ها؟

از همون اولم
بهت نیازی نداشتم
قاتل اجاره‌ای

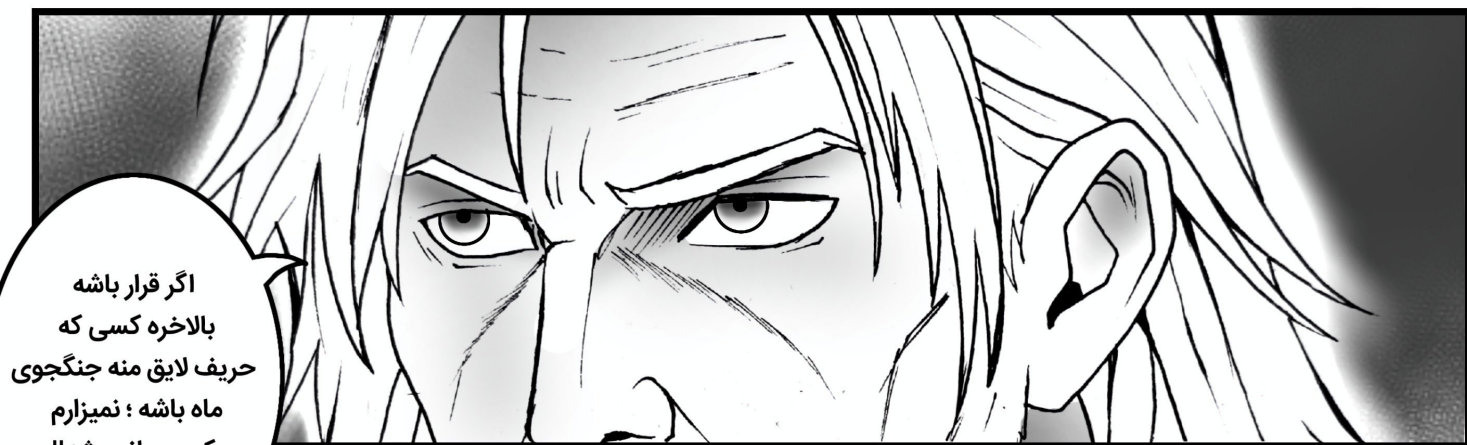


باور کن پیری ...
اصلا دلم نمیخاد اینجا
باشم ؛ ولی طرف قرارداد
معتقد بود یه سامورایی
فسیل شده شبیه تو نمیتونه
مقابل کاتسومی سوجیرو
دووم بیاره!.. و پول خوبی
بابت محافظت از تو در
برابر اون بهم
پرداخت کرد.

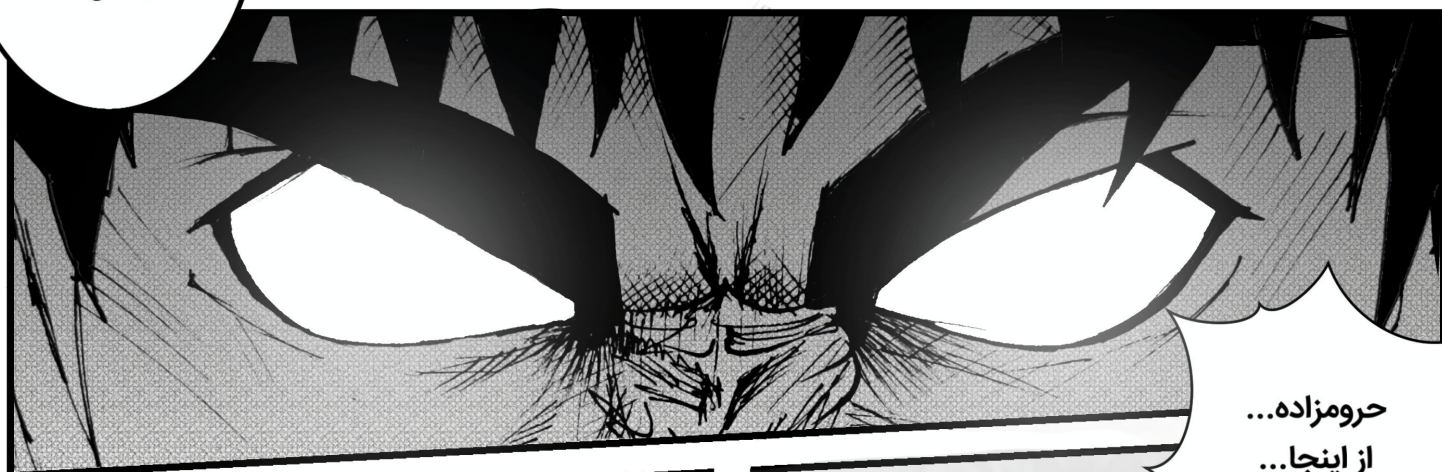


خیلی خب پیری ، من
همین ورام احتمالا برم پولمو
خرج چندتا فاحشه و نوشیدنی
بکنم ... یادت باشه من همیشه
عاشق چالش های بزرگم ...

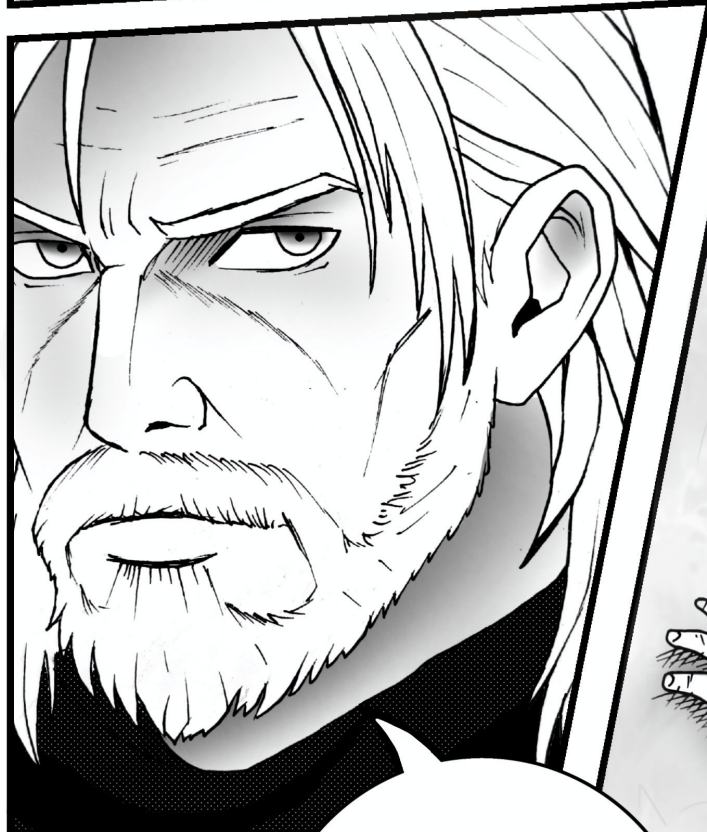
اگه سر و کله
کاتسومی سوچیرو
پیدا شد ؛ از کشتنش
استقبال میکنم!



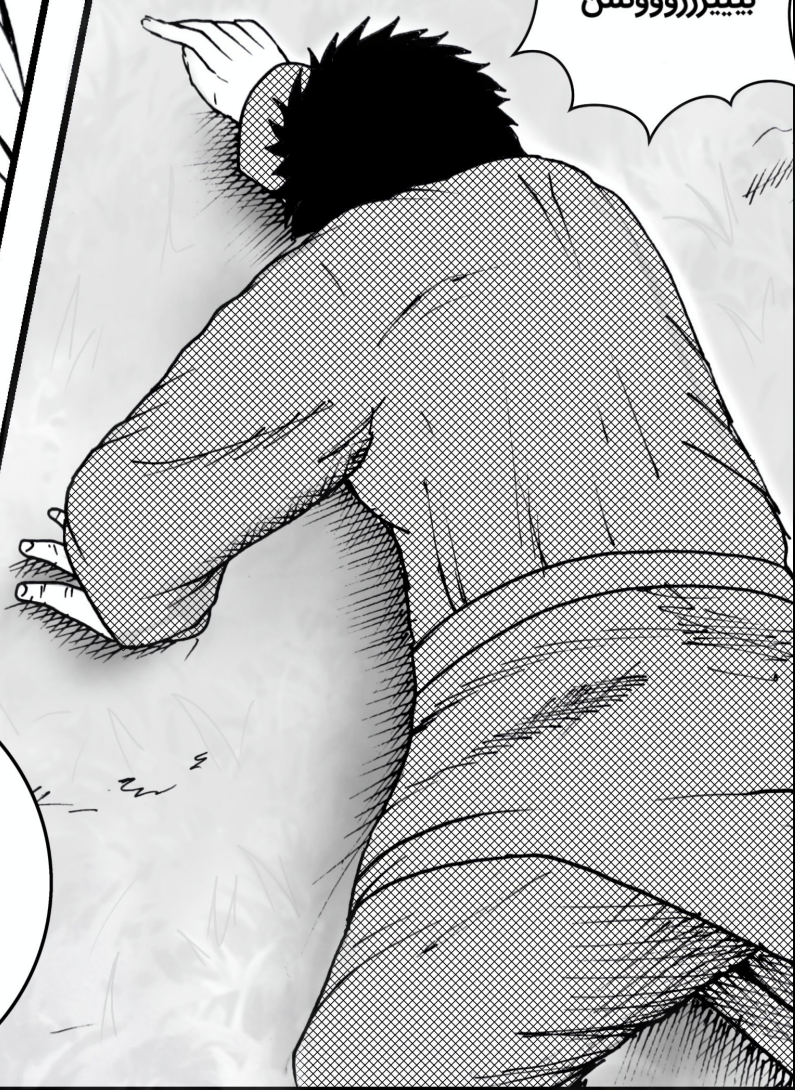
اگر قرار باشه
بالاخره کسی که
حریف لایق منه جنگجوی
ماه باشه ؛ نمیزارم
کسی مانع بشه!!



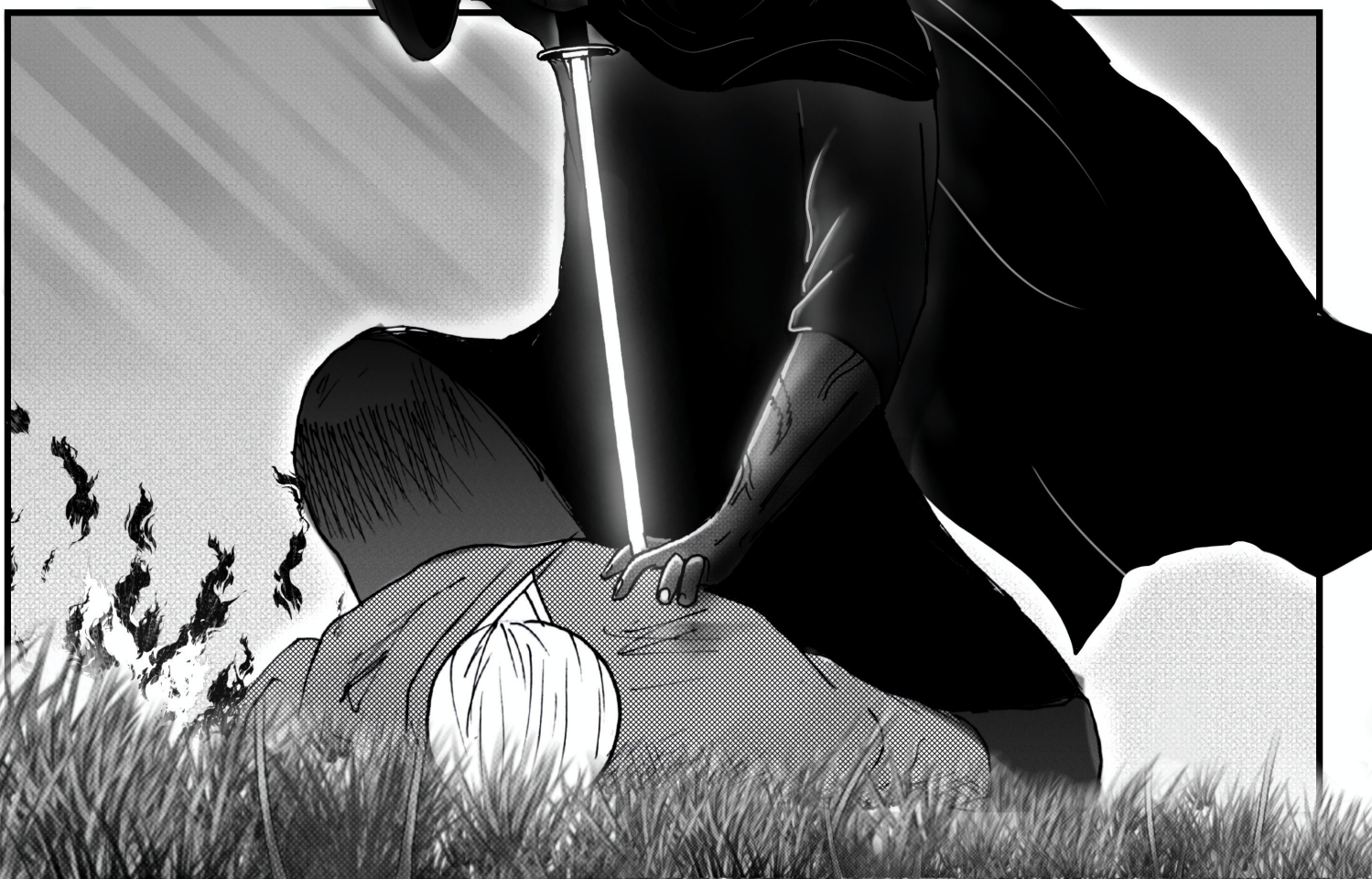
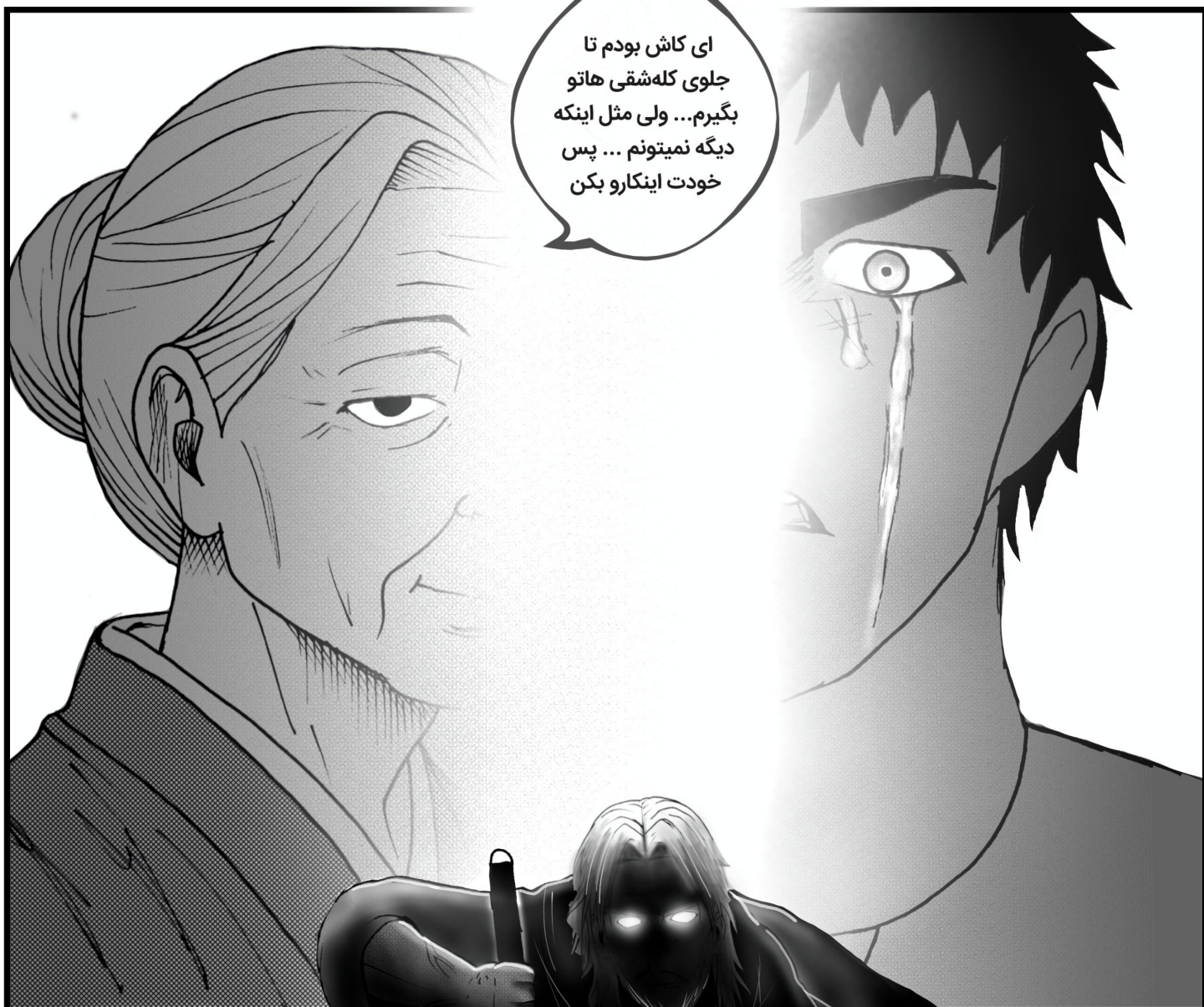
حرومزاده...
از اینجا...
گو...گمشو...
بییییرووونتن



نگاش کن ...
چقدر حال بهم زن ،
تو فقط یک ضربه خوردی
و حالا نمیتونی راه بری!



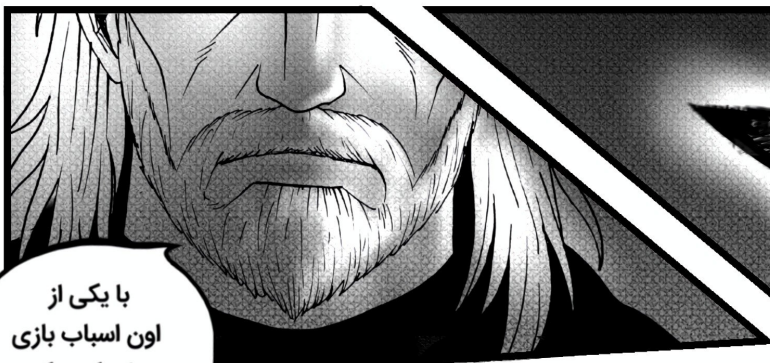
ای کاش بودم تا
جلوی کله شقی هاتو
بگیرم... ولی مثل اینکه
دیگه نمیتونم ... پس
خودت اینکارو بکن



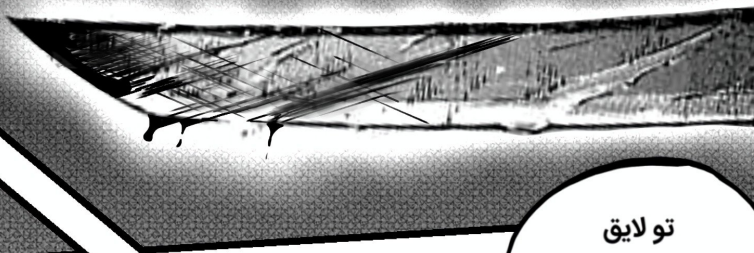


جسدهارو
بندازید تو
رودخونه...

تک تکتونو
تیکه تیکه میکنم
من کل این دنیای
کصافطو به خون
میکشم ، که دیگه
همچین تیکه
کصافطی از رحم
هیچ هرزه‌ای
بیرون نیاد...



با یکی از
اون اسباب بازی
های کوچیک
منفجرش کن!



تو لایق
تیغه کاتانای
یک سامورایی
نیستی...!

